



بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً حلول هفته دولت که همیشه برای مردم ما حامل نویدهای امیدوار کننده و خبرهای خوش و برای برادران مسؤول در دولت هم، روزهای تجدید عهد با گذشته و پیمان با امام و اهداف مقدس و والای اسلامی اوست، ان شاء الله بر شما و ملت ایران مبارک باشد. یاد آن دو شهید عزیز را هم گرامی می‌داریم که حقیقتاً دو انسان مؤمن و مجاهد فی سبیل الله بودند و مصداق واقعی آیه شریفه «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» محسوب می‌شوند. آنها صادقانه وارد میدان مسؤولیت شدند و عمل کردند و توفیقات الهی هم شامل حالشان بود. اگر چه مدت خدمتشان کوتاه بود و اگر چه دوره آنها سرشار از آرمانهای انقلاب و اوایل برپایی جمهوری اسلامی بود، لیکن اگر توفیق الهی نبود، آنها هم نمی‌توانستند آن گونه عمل کنند و به فوز عالی شهادت نائل شوند. خداوند ان شاء الله درجاتشان را عالتر کند و یاد آنها را همیشه در جامعه ما زنده بدارد.

امسال خوشبختانه هفته دولت در شرایط بسیار خوبی از لحاظ جوّ عمومی کشور ما آغاز شد. مردم شاهد موفقیت‌های خوبی از نظام جمهوری اسلامی و دولت کریمه خدمتگزارند. از جهت سیاسی نیز در همین ایام نزدیک به این هفته، قدرتهای بزرگ و به طور مشخص آمریکا در سه ماجرا با انقلاب و ملت و کشور ما درگیر شدند و به لحاظ سیاسی در هر سه ماجرا هم شکست خوردند: اول قضیه قرارداد هسته ای ایران با روسیه و سپس مسأله تلاش برای حصر اقتصادی کشور و نهایتاً قرارداد ما با کشور افریقای جنوبی بود که آمریکا با تمام توان علیه ما به میدان آمد؛ ولی عملاً مجبور به عقب نشینی شد. هر سه قضیه را خدای متعال پیش آورد و دولت آمریکا با داعیه ابرقدرتی و با امکانات فراوان تبلیغاتی و سیاسی خود، جنجالی را در دنیا علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت و با نظام جمهوری اسلامی سینه به سینه شد؛ ولی در هر سه مورد به نتیجه مورد نظر خود نرسید. در این سه ماجرا عملاً واضح شد که وقتی نظامی دارای اقتدار و استحکام حقیقی است و به دیگران اتکا ندارد و قدرت و موجودیت و مشروعیتش را از خارج از وجود خود به دست نمی‌آورد، به موفقیت می‌رسد. در قضایای مهم جهانی وقتی کشوری به ناحق با کشورهای دیگر مواجه شود، اوست که مجبور می‌شود عقب نشینی کند و امروز دولت جمهوری اسلامی بحمدالله با قدرت، کار و راه خودش را ادامه می‌دهد و از توطئه‌های استکبار نمی‌هراسد. این موفقیتها را مردم می‌بینند و دوستان ما هم در دنیا مشاهده می‌کنند. بنابراین از لحاظ تقویت روحیه، این موفقیت برای همه یک دستاورد بود و این لطف الهی را می‌رساند.

از لحاظ اقتصادی هم موفق بوده ایم. بعضی از شاخصهای مهم اقتصادی نشان دهنده این حقیقت است که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی نیز تلاشهای موفقی داشته است که گزارشهای آن را آقایان به من داده اند. در مورد شاخصهای عمده مثل مثبت شدن طراز بازرگانی خارجی و یا افزایش ذخایر ارزی و یا کاهش واردات، توصیه می‌کنم که برادران تلاش کنند تا کاهش واردات به بعضی از بخشها هیچ ضربه ای وارد نکند و نتایج خوبی هم داشته باشد. باید برادران این نکات را به زبان ساده برای مردم تبیین کنند. البته بعضی از میزگردها تشکیل می‌شود که خیلی هم خوب است؛ لیکن کوشش کنید تا آنچه را که به مردم ارائه می‌کنید، حتماً در قالبهای علمی و فنی نباشد، بلکه به گونه ای بیان شود که همه مردم آن را بفهمند و بدانند که چه اتفاقی افتاده است. این کار، مردم را امیدوار و خوشنود می‌کند. خوشحال کردن مردم از پیشرفتهای واقعی و مطلع کردن آنها از جریان امور، کار خوبی است و حق مردم است که باید ادا شود.

سال گذشته و اوایل امسال، در زمینه اقتصادی طرحهای فراوانی در سرتاسر کشور به پایان رسید و آنچه که در این هفته رسانه‌ها خبر دادند، مردم از طریق تلویزیون به چشم خودشان دیدند و مشاهده کردند که در سطح کشور چه اتفاقی می‌افتد. اجرای این همه طرح باعث آبادانی کشور و افزایش تولید و اشتغال و کاهش هزینه‌های زندگی می‌



شود و افرادی که بی کار بودند، به کار مشغول می شوند و امکان زندگی شرافتمندانه را پیدا می کنند. تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از قاچاق و مبارزه جدی با قاچاقچیان - چه قاچاق کالاها و چه قاچاق ارز - نیز تأثیر زیادی در زندگی مردم داشته است. باید این دستاوردهای مثبت را برای مردم گفت و خدمات گوناگون بخشهای مختلف را مطرح کرد. بحمدالله آنچه که تاکنون برای مردم مطرح شده، فضای خوبی را در اذهان آنها به وجود آورده است.

دولت جمهوری اسلامی با دو عامل ارتباط واقعی با خدا و توجه مردم دارای یک اقتدار حقیقی است. در واقع اقتدار دولت هم همان اقتدار ملی است. آنچه که به عنوان اقتدار ملی در یک کشور ذکر می شود، همین است که دولتی مقتدر و دلسوز و علاقه مند در رأس کارها باشد و مصالح مردم را درست تشخیص دهد و راهها را با قدرت و قوت پیماید و از تهدیدهای خارجی و خصومت‌های گوناگون و احياناً بعضی از کارشکنی‌های داخلی واهمه نکند. این وضعیت بحمدالله در کشور ما مشاهده می شود.

اقتدار ملی که در حقیقت قدرت دولت است، دو پایه دارد: یکی ارتباط واقعی با خدا؛ یعنی کار برای خدا انجام گیرد و هیچ کس برای جهات مادی و مسائل شخصی آن را انجام ندهد. نمی خواهیم بگوییم منظور از «هیچ کس» این است که در سطح کارکنان دولت احدی این گونه نباشد. طبعاً این یک آرزوی دوری است؛ ولی منظور ما مسؤولان و سررشته داران امورند که می باید رابطه خودشان را با خدا خوب کنند. اگر ما دیدیم که اقتدار ملی وجود دارد و دولت توانایی کار دارد، باید کشف کنیم که این امر تأمین شده است. رکن دیگر توجه مردم است که: «من کان الله کان الله له»، «من اصلاح ما بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس»؛ اگر انسان رابطه خود با خدا را درست کرد، خداوند رابطه او با مردم را درست خواهد کرد. همه اینها ارتباطها و مکانیسم‌های علمی جامعه شناسی و روانشناسی دارد که فعلاً نمی خواهیم آنها را تبیین کنیم. آنچه که بیان شرع متکفل است، تبیین علمی این مسائل نیست. آنچه که شرع بیان می کند، حکمت است. حکمت یعنی بیان حقایق. این حقیقتی است که اگر شما خودتان را با خدا مرتبط کردید، رابطه شما با مردمی که به خدا معتقدند و بنده او هستند، خوب خواهد شد.

نکته ای که جناب آقای هاشمی اشاره کردند بسیار نکته درستی است؛ یعنی از آن روزی که حادثه شهادت این دو یار انقلاب اتفاق افتاد، تاکنون پیشرفتهای زیادی در کشور پدید آمده است. ما باید ببینیم علت این که از آن وضعیت به شرایط و موقعیت کنونی رسیده ایم چیست؟ ما که در آن زمان امکانات و پول و ذخایر بانکی ای نداشتیم. من یادم است که در آن وقت وضع ذخایر کشور و فروش نفت چگونه بود. خود جناب آقای هاشمی یادشان است که ما چه دغدغه هایی در این زمینه ها داشتیم. درآمد کشور چیزی در حدود صفر بود، مشکلات فراوان بودند و جنگ پُر هزینه کمرشکن، روی دوش مملکت و مردم سنگینی می کرد. چه عامل و قدرت و دست توانایی توانست این کشور را به این جا برساند؟ این همان لطف الهی و توجه پروردگار و خواست خدا بود. او اراده ها را محکم و دستها را کارآمد و دلها رابه هم نزدیک کرد و دشمنیها و تفرقه افکنیها را خنثی نمود. اگر یکی از این وسوسه های تفرقه افکنانه به ثمر می رسید، وضع کشور ما مثل وضع کشورهای می شد که گاهی مشاهده می کنید دو گروه با همدیگر مخالفند و مملکت را در این بین از یاد می برند. اگر وحدت برقرار شد و اگر کارها پیش رفت و اگر توفیقات الهی شامل ما شد و کید دشمنان ناتوان ماند، همه اینها ناشی از لطف الهی است؛ البته ابزار کاری او هم حمایت مردم از مسؤولان و انقلاب و خدمتگزاران بود که امروز آن را مشاهده می کنیم. باید کوشش شود این ابزار محفوظ بماند.

الحمدالله شما که مسؤولان درجه یک کشور هستید، خوی و خصلت مردمی دارید و خودتان جزو قشرهای متوسط مردمید و خوی اشرافی و کناره جویی از مردم و دوری از آنها را ندارید. این نعمت خیلی بزرگی است که باید آن را حفظ کنید و به همه اجزای دست اندرکار تسری دهید. اگر احياناً کسی از گوشه و کنار در مجموعه شما پیدا می شود که می بینید روشش طور دیگری است، جلوش را نگه دارید. من در این جا و به همین مناسبت سفارش مهمی را یادآوری می کنم: یکی از وظایف امروز آقایان مبارزه با فساد است؛ چون کشور به ثمردهی رسیده و وقت میوه چینی است. زحمات گذشته شما بتدریج ثمر می دهد و امکانات در کشور در حال افزایش است. چنین موسمی همیشه و در همه تاریخ، موسم خطرناکی بوده است. موسم ورود آدمهای سوء استفاده کن و فرصت طلب و کج دست و بددل و سیاهروست که وارد می شوند و اگر توانستند، از غفلتها سوء استفاده می کنند. خیلی مراقب این جهت باشید. شاید



ما ده سال پیش این قدر به مراقبت نیاز نداشتیم - اگر چه همیشه مراقبت لازم است - زیرا آن وقت چیز زیادی برای بردن و دزدیدن نبود؛ ولی امروز چیز زیادی برای بردن و دزدیدن وجود دارد. من محاکمات جنجالی این روزها را جزو افتخارات نظام می دانم. وجود فساد تعجب آور نیست؛ مبارزه نکردن با فساد تعجب آور است. این محاکمات معنایش این است که نظام جمهوری اسلامی با هیچ کس رودربایستی و شوخی ندارد و هر انگیزه فساد را در هر جا ببیند سرکوب می کند؛ بخصوص آن فساد که مثل خوره و کرم داخل درخت، بناست که اصل بنا را پوسانده و پوک کند و از بین ببرد. هر جا که با این مسأله در مجموعه خودتان برخورد کردید، با کمال قدرت و بدون هیچ گونه ابا و امتناع و با تکیه بر همان روشها و طریقه های قانونی - که بحمدالله ما برای همه این کارهای اساسی قانون داریم - با آن مبارزه کنید.

بنابراین دو نکته همراهی با مردم و حرکت در جهت خواست و اراده الهی را فراموش نکنید. مسأله خواست خدا هم امر غیر قابل فهم و مبهمی نیست. در هر کاری آنچه را که فکر می کنید تکلیف الهی است، عمل کنید. اگر تکلیف الهی با خواسته های شخصی معارض شد، خواسته شخصی را کنار بگذارید. این همان تقوای حقیقی و کاری است که برای مسؤولان لازم است. برای پُست و مقام و شغل و امثال اینها اصالت و اهمیت قائل نباشید. بحمدالله به این فکرها نیستید و خدا را شکر که مسؤولان بالای کشور، واقعاً دامنشان از این گونه چیزها مبرا است. اگر کسانی این گونه باشند، بایستی آنها را از محاسبات خودتان به کلی خارج کنید.

نکته دیگر این است که بحمدالله کشور در طریق رشد و توسعه حرکت می کند. این یک امر محسوس است. حقیقتاً کار سازندگی در کشور، جدی گرفته شده است و هر کس که این موضوع را انکار کند، بلاشک بی انصافی کرده است؛ چون مملکت به شکل تعجب برانگیز و تحسین آمیزی به سمت سازندگی حرکت می کند و هر جای این کشور نگاه کنید، شعله کار بلند است و کار مفیدی برای این مردم در بخشهای مختلف انجام می گیرد. پس رشد و توسعه جریان دارد و شما با برنامه ریزی و حرکت صحیح، دنبال آن می روید. آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسأله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصوّر می کردند - شاید حالا هم تصوّر کنند - که ما بایستی دوره ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به خاطر این است که مسؤولان کشور بیش از این نمی توانند. خرابی ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیقتر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را بر طرف کرد، والا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم. برنامه دوم بحمدالله خوب انجام شد و حالا هم با خوبی پیش می رود. در برنامه ریزیهای بعدی مسأله برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه بخشها و برنامه ریزیهایتان دخالت دهید. در سیاستهایی هم که برای برنامه دوم ابلاغ و اعلام شد، این نکته جزو اقلام مهم آن سیاستگذاری بود.

توصیه دیگری که دارم این است که تا آن جا که می توانید به نیروهای داخلی تکیه کنید. البته می دانم این توصیه مورد توجه شماست، چون تا حدود زیادی عمل هم شده است؛ لیکن می خواهم روی آن تأکید بیشتری کنم. استعداد در داخل کشور ما برجسته و بیش از حد معمول و متوسط است. مکرّر گفته ام که متوسط استعداد در ایران بالاتر از متوسط استعداد در کلّ جهان است. پیشرفتهایی که در المپیادهای ریاضی و فیزیک و شیمی و ... به دست آوردیم، نشان داد ما جوانانی داریم که از استعدادها و بالایی برخوردارند. کسانی که در این مسابقات، مقامات بالا به دست آوردند، افراد استثنایی نبودند؛ بلکه فرزندان این مملکتند. یقیناً از قبیل این افراد هزارها و صدها هزار در این مملکت وجود دارند. اینها را به آموزش، پرورش، توسعه علم و تحقیق تربیت کنید. به کار فرهنگی به معنای واقعی کلمه اهتمام ورزید. وقتی که اینها رشد پیدا کردند، می توانند کشور و بلکه دنیا را با دستهای خودشان اداره کنند.



تکیه بر توان و امکانات داخلی نیز از همین مقوله است. تا آن جا که بتوانیم باید کشور را از مسأله نفت جدا کنیم که البته این هم محسوس است. آن طور که من در آمارها دیدم، به نظرم رشد صادرات غیر نفتی ما در سال هفتاد و سه از رشدی حدود بیست درصد برخوردار بوده است که رشد خیلی بالایی است. در همین جهت پیش بروید و کاری کنید که ما بتوانیم از تنوع در تولید اقتصادی و صادرات و استفاده داخلی کشور برخوردار باشیم و ان شاء الله از همه ظرفیتهای کشور استفاده کنیم.

شرایط جهانی فوق العاده ای پیش روی ماست. علی رغم تبلیغاتی که ابرقدرتها و صهیونیستها و عوامل خناس دنیا علیه جمهوری اسلامی می کنند، کشور ما امروز در دنیا الگوست. نه فقط برای جمعیتها و یا ملتها، بلکه حتی برای دولتها - آن هم بعضی از دولتهای بزرگ امروز - نیز الگوست. این که شما می بینید برخی از کشورها در مناطق گوناگون دنیا این جرأت را به خودشان می دهند که در مقابل زیاده طلبیهای امریکا بایستند، این الگوگیری از ایران اسلامی است. این جسارتها و شجاعتها در گذشته نبود. حتی در آن دورانی که دو بلوک قدرتمند در دنیا وجود داشت و یک بلوک در مقابل دیگری خصمانه برخورد می کرد، کسانی که وابستگی به بلوک شرق نداشتند، ولو ادعای استقلال می کردند، جرأت این را که در مقابل امریکا بایستند نداشتند؛ با این که امریکا در دنیای آن روز رقیب داشت، ولی امروز در دنیا رقیب هم ندارد. در عین حال شما می بینید کشورهایی هم در آسیا و افریقا هستند که در مقابل خواسته های امریکا با گستاخی و قدرت تمام می ایستند. این امر ناشی از الگوگیری از ایران اسلامی است. البته مخالفان و دشمنان ما این کار را از سیئات جمهوری اسلامی و دولت ایران می دانند. آن کسانی که به خیال خودشان سیئات جمهوری اسلامی را می شمردند و جرائمش را سیاه می کردند، یکی از مواردی که نام می بردند این بود که ایران برای کشورهای دیگر الگو شده است. حق هم با آنهاست. امروز ایران اسلامی در دنیا وضعش این گونه است. از نظر سیاست بین الملل، بحمدالله اقتدار و آبروی جهانی و نفوذ در بسیاری از مناطق دارد و در داخل کشور نیز از امکانات و مردم ممتاز و آینده خیلی خوب برخوردار است.

شما بحمدالله خدمت می کنید. این خدمت را با قدرت تمام ادامه دهید. این رشته، رشته مستمری است. این همه تحولات در دنیا به وجود آمده؛ ولی جمهوری اسلامی از بعد از انقلاب در یک ثبات و استقرار کامل به سر می برد و خط مشخصی را در پیش گرفته است و بدون هیچ گونه تذبذب، آن خط را تا امروز، مستقیم ادامه داده است. این گونه استقامت و استمرار در سیاست را در کمتر کشوری مشاهده می کنید. اینها نعمتهای الهی هستند؛ باید از این نعمتها حداکثر استفاده را کرد. ما هم دعا می کنیم که خدای متعال ان شاء الله به شما توفیق دهد؛ مردم عزیز ما را موفق بدارد و این پیوند و محبت و اعتمادی را که بحمدالله امروز بین دولت و ملت برقرار است و این علاقه ای که مردم به مسؤولان کشور و بخصوص ارادتی که به رئیس جمهور عزیز و محترممان دارند، روز به روز زیاد کند و دلها را گرمتر و پیوندها را مستحکم تر نماید تا بتوانید ان شاء الله آرزوهای اسلامی این انقلاب را به طور کامل برآورده کنید و الگوی کاملی برای همه ملت‌های مسلمان شوید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته